

مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و ایران

دکتر رحیم داورنیا *

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل

چکیده:

وقتی قاضی اشتبهاً و یا با سوءاستفاده از قدرت، قانون را به طور نادرست اعمال می نماید، حقوق متهم یا اصحاب دعوی مورد تعدی قرار می گیرد.

با وجود اصل مصونیت قضات، در نظام‌های مختلف حقوقی طی قرن‌ها مسئولیت مدنی قاضی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. اما با پیشرفت دموکراسی به خصوص توجه به اصل برابری، قانونگذاران سعی می‌کنند تا به تدریج از اصل مصونیت مطلق فاصله گرفته و به طرف مسئولیت مدنی قاضی و یا دولت حرکت نمایند. امروزه در کشورهای غربی قضات در مقابل تعدی از قوانین، علاوه بر مسئولیت انتظامی و کیفری، با مسئولیت مدنی نیز مواجه می‌باشند که اکثراً خسارت وارده به شهروندان توسط دولت و یا شرکت‌های بیمه‌ای جبران می‌گردد.

در حقوق ایران علی‌رغم پیش‌بینی موضوع در اصل یکصد و هفتاد و یک قانون اساسی، اشخاص زیان دیده از تصمیمات نادرست قضایی عملاً به جبران ضرر و زیان متحمله نایل نمی‌شوند. بررسی این امر با مطالعه اجمالی موضوع در نظام‌های حقوقی دیگر هدف این مقاله می‌باشد.

واژگان کلیدی:

استقلال قاضی، مصونیت قاضی، مسئولیت مدنی قاضی ایران، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، فرانسه.

مقدمه

مهم‌ترین وظیفه مراجع قضایی در جامعه، بسط عدالت و حفظ نظم عمومی می‌باشد و این مهم انجام نمی‌پذیرد مگر اینکه دستگاه قضایی قانونمند بوده و مقررات را درست اعمال نماید.

این سوال مطرح می‌شود که اگر قاضی که خود مجری قانون و حافظ عدالت است اشراف کامل به قوانین نداشته و یا آن را به اشتباه، ناصحیح اعمال نماید و شهروندی در این رهگذر متضرر شود چگونه می‌تواند به جبران خسارت مادی و معنوی نایل گردد. وقتی قاضی به وظایف خود عمل نمی‌کند عقل سلیم حکم می‌نماید که خسارت وارده را جبران کند اما با توجه به اهمیت امر قضا در جامعه، تلاش قانون‌گذاران بر این است که این جبران به نحوی عملی گردد و به استقلال قاضی لطمه ای وارد نشود. در این مقاله نحوه عملکرد نظام‌های حقوقی ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و ایران بررسی شده و نتیجه آن به صورت پیشنهاد ارائه گردیده است.

بخش اول - اصل مصونیت قضات

با توجه به اهمیت امر قضا چه از لحاظ فردی و چه از نظر اجتماعی، قضات در تمام نظام‌های حقوقی دنیا از نوعی مصونیت برخوردار می‌باشند تا به لحاظ تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند، توسط اصحاب دعوی یا متهمین زیر سوال نرفته و تحت فشار قرار نگیرند زیرا به دنبال هر حکمی که در دادگاه صادر می‌شود طبعاً یکی از طرفین ناراضی می‌باشد به خصوص در پرونده‌های کیفری چنانچه افراد با نفوذ، محکومیت حاصل نمایند، سعی می‌کنند به بهانه‌های مختلف منجمله عدم رعایت قانون و تخطی از اصل بی‌طرفی، قاضی را تخطئه نمایند و این امر علاوه بر لطمه زدن به شخص قاضی، استقلال وی را که تضمین‌کننده آزادی‌های مشروع افراد می‌باشد، خدشه‌دار می‌سازد.

الف - مصونیت قاضی بر حقوق ایتالیا

اصول ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون اساسی ایتالیا، مصونیت شغلی و استقلال قاضی را تضمین نموده است. به موجب اصل ۱۰۷ قانون مذکور «قضات غیرقابل عزل بوده و نمی‌توان آنها را از خدمت معاف یا موقتاً منفصل و یا به شغل دیگری منصوب نمود مگر اینکه شورای عالی قضایی، به اقتضای مصالحی، چنین تصمیمی را اتخاذ و قضات مورد نظر نیز با آن موافق بوده باشند» (عرفانی، محمود، ص ۱۰۶). یادآوری می‌گردد، طبق اصل ۱۰۴ قانون یاد شده، شورای عالی قضایی به ریاست شخص رئیس جمهور و با حضور رئیس و دادستان دیوان عالی کشور و اعضای که اکثریت آنها توسط خود قضات انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد.

پاراگراف دوم اصل ۱۰۸ قانون اساسی ایتالیا نیز مقرر می‌دارد: «قانون، استقلال قضات، مراجع خاص قضائی، دادستان در نزد آن مراجع و سایر اشخاصی را که در اداره امور مربوط به دادگستری شرکت دارند، تامین می‌نماید».

مصونیت مطلق قضات دادگاه قانون اساسی: علاوه بر تضمینات فوق‌الذکر، قضات دادگاه قانون اساسی ایتالیا، از مصونیت مطلق برخوردار می‌باشند. این دادگاه که به منظور ایجاد تعادل در میان سه قوه به وجود آمده است دارای پانزده عضو بوده که پنج نفر آنان توسط رئیس‌جمهور، پنج نفر توسط پارلمان و پنج نفر دیگر توسط شورای عالی قضایی انتخاب می‌گردند. دادگاه موصوف نقش قضایی و سیاسی مهمی در کشور ایفا می‌نماید. تطبیق قوانین و اقدامات دولت با قانون اساسی از جمله صلاحیت‌های آن به حساب می‌آید. قضات دادگاه اساسی از میان قضات دادگاه‌ها، استادان حقوق، وکلای دادگستری که حداقل بیست سال سابقه خدمت داشته باشند، انتخاب می‌گردند. آراء صادره توسط دادگاه قانون اساسی برای سایر دادگاه‌ها لازم‌الاتباع می‌باشد. (عرفانی، پیشین) طبق رویه قضایی، قضات دادگاه قانون اساسی از مصونیت مطلق برخوردار بوده و

از هرگونه مسئولیت منجمله مسئولیت مدنی مبری می‌باشند.^۱ (Monateri, 1999, p. 542)
سایر قضات علیرغم برخوردار بودن از مصونیت قضائی تحت شرایطی باید پاسخگوی
مسئولیت مدنی خود باشند که بعداً "شرح آن خواهد آمد.

ب - مصونیت قاضی در حقوق فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه استقلال قاضی به عنوان یک اصل مسلم و خدشه‌ناپذیر پذیرفته شده است به نحوی که شخص رئیس‌جمهور مکلف به تضمین آن می‌باشد. اصل شصت و چهارم قانون اساسی فرانسه در این خصوص مقرر می‌دارد «رئیس‌جمهور ضامن استقلال قوه قضایی است، شورای عالی قضایی در این امر وی را یاری می‌کند... قضات نشسته غیرقابل عزل می‌باشند.»^۲ (قانون اساسی فرانسه ۱۳۷۶)
شورای قانون اساسی که به موجب اصل پنجاه و ششم به بعد قانون اساسی فرانسه بر حسن جریان انتخابات ریاست جمهوری، نمایندگان مجلسین نظارت دارد، ضمن تاکید بر غیر قابل عزل و انتقال بودن قاضی تصریح نموده است که این امر نه به عنوان امتیاز شخصی برای قضات بلکه به منظور حراست از استقلال آنان که آزادی‌های فردی بر آن متکی می‌باشد، برقرار شده است. (Duhamel, Meny 1992, p. 553)

۱- نگاه کنید :

Trib. Roma 19 January 1993, Giust. Civ, 1993, I, 1349. Fortino, La responsabilita civile del Professionista, Milano, 1984. A. Baldassarie e S. Baldassarie. La responsabilita cilive del Professionista, Milano, 1993, cf. P. G. Monateri, Rapport Italian, Traveaux de l' Association Henri Capitant, la responsabilite Aspects nouveaux. L.G.D.J. Paris 1999, p. 542.

۲- Art 64 "le president de la Republique est garant de l'indpendence de l'autorite Judiciaire. Il est assiste Par le conseil superieur de la maøistue... les magistratesdu

ج - مصونیت قاضی در حقوق ایالات متحده آمریکا

اصل مصونیت قضات در ایالات متحده آمریکا از قدمت بیشتری برخوردار می‌باشد. در حقیقت این اصل از حقوق کامن‌لا به حقوق آمریکا راه پیدا کرده است.^۱ در آن نظام به لحاظ اینکه قاضی نماینده شخص پادشاه در امر قضا به حساب می‌آمد به تبع شاه از هر گونه مسئولیت مبری شناخته می‌شد. (بوشهری، ۱۳۷۶، ص ۲۹۲)

مصونیت قضات در حقوق ایالات متحده آمریکا در بند ۱ از اصل ۳ قانون اساسی پیش‌بینی شده است. در اصل مذکور آمده است «...قضات دادگاه عالی، همانند قضات دادگاه‌های تالی، مادام که رفتار شایسته خود را داشته باشند، مشاغل خود را حفظ نموده و در مواعد مقرر پاداش خدمات خود را دریافت خواهند نمود به نحوی که در طول خدمت از آن کاسته نخواهد شد.»^۲ (Black's Law dictionary, 1983, p. 842)

د - مصونیت قاضی در حقوق ایران

۱- اصل ۱۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر نموده است: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد.» وجود مقررات مذکور نشان دهنده نگرانی قانون‌گذار از خدشه‌دار شدن استقلال قضات توسط مقامات ذی‌نفوذ می‌باشد و خواهان این است که قاضی ایرانی همانند قضات مستقل سایر کشورهای جهان بتواند به دور از هرگونه نگرانی رای مورد نظر خود را صادر نماید.

۲- علاوه بر مصونیت شغلی به شرح بالا، ماده ۴۲ قانون اصول تشکیلات دادگستری، تعقیب کیفری قضات را منوط به اجازه دادگاه عالی انتظامی قضات نموده

^۱ - در خصوص تاثیر کامن‌لا بر حقوق ایالات متحده آمریکا مراجعه شود به کتاب نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر نوشته رنه داوید، ترجمه دکتر حسین صفایی، دکتر محمد آشوری و دکتر عزت‌الله عراقی، چاپ مرکز دانشگاهی ۱۳۶۹، شماره ۳۶۶ به بعد.

^۲ - the Judges, both of the supreme and inferior courts, shall hold their offices during good Behaviour, and shall, at stated Times, receive for their Services a Compensation, wich shall not be diminished during their Continuance in Office.

است. در ماده مذکور آمده است « هرگاه ، در اثناء رسیدگی کشف شود که کارمند قضایی مرتکب جنحه یا جنایتی شده و دادستان انتظامی قضات آن را مقرون به دلایل و قراین ببیند که تعقیب کیفری را ایجاب نماید تعلیق کارمند مظنون را از شغل خود تا صدور رای نهائی مراجع کیفری از دادگاه عالی انتظامی تقاضا می نماید، دادگاه پس از رسیدگی به دلایل، قرار مقتضی صادر خواهد نمود و در صورت براءت، ایام تعلیق جزء مدت خدمت محسوب و مقرری آن به کارمند داده خواهد شد.»

عنوان کارمند قضایی آمده در این قانون شامل کلیه قضات دادگاهها و دادرها اعم از عمومی و خصوصی می باشد لکن مصونیت قضایی شامل امور خلافی نمی گردد. (آخوندی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۵؛ شهری و ستوده جهرمی، ص ۴۹۳)

با وجود تاکید قانون گذاران بر مصونیت قضات ، به خصوص در سالهای اخیر، حرکت هایی در جهت مسئول شناختن آنان در قبال اقدامات غیرقانونی که منجر به ورود خسارت به شهروندان می گردد، آغاز شده است که این اقدامات در بخش دوم مورد بررسی قرار می گیرد.

بخش دوم - حرکت نظام های حقوقی از مصونیت به طرف مسئولیت

مدنی قاضی

همان طور که اشاره شد به خصوص با توجه به اصل برابری به تدریج مطالبات جدیدی با این مفهوم (که در یک جامعه پاسخگو قاضی هم باید جوابگوی مسئولیت خود باشد) در جوامع مطرح گردید. در کشورهای مسیحی این خواسته با استناد به آیه ای از انجیل متی با این عبارت «همان گونه که در حق دیگران قضاوت می کنید مورد قضاوت قرار خواهید گرفت»^۱ بحث مسئولیت مدنی قاضی به طور جدی بالا گرفت مع الوصف قانون گذاران سعی داشتند که این امر در نهایت به ماموریت خطیر قاضی که همانا اجرای عدالت و برقراری نظم می باشد همچنین به استقلال او لطمه ای وارد ننماید و به حق معتقد بودند که طرح ادعا علیه قاضی اگر به سهولت قابل پذیرش باشد

^۱ - Comme vous Jugez vous serez Juges (Evangile selon s Matthieu 7, 1-12)

می‌تواند فشار تاسف باری را متوجه قاضی و دستگاه قضا نماید که به هر حال به نفع جامعه نمی‌باشد. (Behar Touchais, 1999, p. 529)

الف - مسئولیت قاضی در حقوق ایتالیا

در ایتالیا، قانون مسئولیت مدنی قاضی در ۱۹۸۸ با کد ۱۱۷/۱۹۸۸ به تصویب رسید. طبق قانون مذکور این مسئولیت وقتی متوجه قاضی می‌شود که متضرر ثابت نماید که اولاً ضرر و زیانی وارد شده، ثانیاً این ضرر و زیان صرفاً بر اثر تصمیم غیرقانونی به وجود آمده است. معهداً رویه قضایی در مواردی که تصمیم قاضی به نتایج نامطلوبی منجر شده باشد تقصیر قاضی را مفروض تلقی می‌نماید. (Monateri, 1999, p. 539)

چنانچه خسارت وارده بر قربانی، ناشی از تقصیر چند قاضی صورت گرفته باشد به موجب ماده ۲۰۵۵ قانون مدنی، جبران آن به عهده همه قضات مذکور خواهد بود. در ماده یاد شده آمده است «تمام اشخاصی که موجب ورود ضرر و زیان گردیده‌اند، متعهد به جبران آن می‌باشند. مسئولیت آنان تضامنی است بدین معنا که هر یک از آنان مسئول جبران تمامی ضرر و زیان وارده می‌باشند. الهیایه ایفاکننده تعهد می‌تواند به میزان مسئولیتی که سایر متعهدین داشته‌اند به آنان مراجعه نماید.» (Mazzonni, 1984, p. 622)

با تصویب قانون ۱۱۷/۱۹۸۸ فوق‌الذکر نظارت و کنترل وزارت دادگستری ایتالیا بر دادخواست‌های مطروحه علیه قضات از بین رفت و پذیرش یا عدم پذیرش ادعای مطروحه تنها بر نظر هیاتی از خود قضات موکول گردید. دادخواست علیه دولت مطرح می‌شود البته دولت می‌تواند پس از صدور حکم محکومیت و پرداخت محکوم به، به موجب مقررات مواد ۷ و ۸ قانون یاد شده رأساً علیه قاضی متخلف طرح دعوی نماید. (Monateri, 1999, p. 539)

ب - مسئولیت قاضی در حقوق فرانسه

قانون‌گذار فرانسه هم مانند سایر قانون‌گذاران در جهت حراست از استقلال قاضی، مدت‌ها در برابر مسئول شناختن قاضی به خصوص قاضی دولتی، از خود مقاومت

نشان می‌داد. این امر مورد اعتراض حقوقدانان واقع، از جمله آقای (برودن) طی مقاله‌ای با طرح سؤالاتی نظیر ... (در حالی که مسئولیت یک داور (قاضی غیردولتی) به استقلال او لطمه نمی‌زند چرا در مورد قاضی دولتی طور دیگری فکر می‌شود)... (آیا یک قاضی مستقل می‌تواند غیرمسئول باشد؟) و یا (وقتی یک قاضی به وظایف قانونی خود عمل نمی‌نماید چرا نباید از عهده خسارت برآید)، سیاست دولت را در این خصوص شدیداً مورد انتقاد قرار داد. (Bredin, 1996, p. 161)

تا اینکه سرانجام قانون‌گذار فرانسه در ۱۹۹۷ با اصلاح مقررات مربوط به مسئولیت عمومی، مسئولیت مدنی کلیه قضات منجمله قضات دولتی را مورد پذیرش قرار داد که بعداً با تشکیل اتحادیه کشورهای اروپایی به ویژه دادگاه حقوق بشر اروپایی^۱ (CEDH) دامنه این مسئولیت گسترش بیشتری یافت و امروزه خسارت وارده به شهروندان عمدتاً از طرف خود دولت فرانسه جبران می‌شود. (Wiederkeher, 1997, p. 13) البته در صورتی که اشتباه قاضی از نوع سنگین باشد (اشتباهی که یک قاضی متعهد و محتاط مرتکب آن نمی‌شود) دولت می‌تواند دعوی را به سوی قاضی مقصر سوق دهد مع‌الوصف در این صورت نیز، علی‌رغم محکومیت قاضی، همچنان دولت به عنوان مسئول مدنی باقی می‌ماند. (Behar-Touchais, 1999, p. 536)

نکته قابل توجه اینکه حتی در مواردی که اقدام قاضی و دادگاه مورد تایید دیوان عالی کشور فرانسه قرار گیرد، امکان دارد متقاضی بتواند با مراجعه به دادگاه حقوق بشر اروپایی، با استناد به بند ۱ از ماده ۶ مقررات حاکم بر آن دادگاه، به این دلیل که مرافعه او منصفانه مورد رسیدگی قرار نگرفته است، محکومیت دولت متبوع خود به پرداخت خسارت وارده را خواستار گردد.

بند ۱ ماده ۶ قانون مذکور مقرر نموده است: «هر کس (شهروند اتحادیه کشورهای اروپایی) حق دارد که مرافعه او منصفانه مورد رسیدگی قرار گیرد»^۲ دولت فرانسه تاکنون مجبور به پرداخت میلیون‌ها یورو غرامت، بابت احکام صادره از دادگاه حقوق

^۱ - La Cour Europeene des droits de l'homme

^۲ - Toute personne a droit a ce que sa cause soit entendue equitalement

بشر اروپایی، به شهروندان خود از این لحاظ گردیده است. (Behar-Touchais, 1999, p. 517, 530)

ج - مسئولیت قاضی در حقوق ایالات متحده آمریکا

همان طور که اشاره شد در حقوق ایالات متحده آمریکا اصل مصونیت از حقوق انگلستان گرفته شده که در آن قاضی از هرگونه مسئولیت مبری شناخته می‌شود. اصل مصونیت قضات طی آرای متعدد صادره از دادگاه عالی مورد تایید قرار گرفته است دادگاه مذکور از جمله در پرونده ای موسوم به (Sparkman) اعتبار اصل یاد شده را یادآوری و به استناد آن خواسته متقاضی را که خواهان محکومیت قاضی به جبران خسارت وارده بود مردود اعلام نمود مع الوصف در این حکم مستندات رای به نحوی بیان شده بود که از آن تاریخ دادگاه‌ها از مطلق تلقی نمودن اصل مصونیت قضات فاصله گرفته حتی در مواردی حکم بر مسئولیت مدنی قاضی صادر نموده‌اند. در پرونده یاد شده مادر (Linda Sparkman) با مراجعه به قاضی (Harold Stump) تقاضا نموده بود که دادگاه با انجام عمل جراحی دخترش جهت عقیم نمودن وی موافقت نماید قاضی (استمپ) ضمن موافقت با این خواسته اعلام نمود که بیمارستان عمل کننده نیز از تعقیب قضایی احتمالی در این خصوص معاف باشد. عمل جراحی انجام و دختر جوان از ماهیت آن تا دو سال دیگر مطلع نگردید و وقتی متوجه قضیه شد که او و همسرش به قصد بچه دار شدن به پزشک مراجعه نموده بودند. با اطلاع از وضعیت جسمانی پیش آمده، (لیندا) طی دادخواست تقدیمی علیه قاضی (استمپ) خواستار محکومیت وی به پرداخت ضرر و زیان وارده گردید. دادگاه با استناد به اصل مصونیت قضات، دعوای (لیندا) را مردود اعلام نمود اما مفاد رای با آرای سابق‌الصدور مشابه متفاوت بود در این رای آمده بود که قاضی (استمپ) خارج از صلاحیت خود عمل نموده و تصمیم وی در محدوده (اعمال قضایی) صورت گرفته است.

با صدور این رای محافل حقوقی ایالات متحده آمریکا به این برداشت رسیدند که قاضی تنها در مقابل اعمال قضایی از مصونیت برخوردار می‌باشد و در مقابل تصمیمات

غیرقضایی خود همانند سایر شهروندان مسئول می‌باشد و براساس چنین استدلالی بود که دادگاه عالی در پرونده‌ای موسوم به قاضی (White)، وی را به لحاظ تصمیم غیرقضایی که منجر به نقض قانون اساسی شده بود به پرداخت ضرر و زیان در حق شخص زیان دیده محکوم نمود. (Levasseur, 1999, p. 555) ملاحظه می‌شود امروزه در ایالات متحده آمریکا قضات در مقابل تصمیمات غیرقضایی خود مسئول شناخته می‌شوند حتی اخیراً دادگاه عالی در پرونده ای موسوم به (Richmond Allen) علی‌رغم قضایی تلقی نمودن اقدام قاضی (Pulliam) به لحاظ اینکه تصمیم متخذه مغایر با اصل انصاف بوده است وی را به پرداخت مبلغ هشتاد هزار دلار در حق شاکی «ریچموند آلن» محکوم نمود. در رای صادر آمده است: «گرچه تصمیم قاضی «پولیام» یک تصمیم قضایی است که از حمایت اصل مصونیت قضایی برخوردار می‌باشد اما اصل مذکور مطلق نبوده و می‌توان قاضی را براساس قاعده «انصاف» (Equitie) به پرداخت ضرر و زیان وارده محکوم نمود.» با صدور رای محکومیت قاضی «پولیام» در پرونده «ریچموند آلن» تشکیلات مربوط به قضات در ایالات متحده، به این فکر افتادند تا به نحوی این مشکل را حل نمایند. بیمه کردن قضات راه حلی بود که ضمن پایان دادن به نگرانی‌های قضات و تقویت استقلال آنها، شهروندان زیان دیده از تصمیمات نادرست قضایی را هم بر جبران خسارت متحمله مطمئن می‌ساخت.

هم اکنون قضات آن کشور در قبال پرداخت حق بیمه مشخصی که در بیشتر ایالات توسط دولت فدرال تامین می‌شود، در قبال مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات شغلی خود تا سقف دو میلیون دلار بیمه می‌باشند. (Levasseur, 1999, p. 561)

د - مسئولیت قاضی در حقوق ایران

به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود.»

با توجه به اصل مذکور در صورتی که قضات در اعمال قوانین مقصر شناخته شوند ضامن و مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. به موجب ماده ۱۳۳۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۳۹: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری می‌شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» و به موجب ماده ۱۱ همان قانون: «کارمندان دولت و شهرداری و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدتاً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتي به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول خسارات وارده می‌باشند. ولی هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره و موسسات مربوطه است...»

سوالی که در بحث حاضر مطرح می‌شود این است که احراز تقصیر قاضی که براساس آن مسئولیت مدنی قاضی به وجود می‌آید با کدام مرجع صلاحیتدار می‌باشد؟ در این خصوص مقررات موجود از صراحت لازم برخوردار نمی‌باشد. در مورد فقدان صلاحیت قاضی، ماده ۱ قانون تشکیل محکمه انتظامی قضات مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر نموده است: «در صورتی که رئیس قوه قضائیه، قاضی شاغل را طبق موازین شرعی فاقد صلاحیت تصدی امر قضا بداند، می‌تواند موضوع را به کمیسیون کارشناسی مرکب از دادستان انتظامی قضات، معاون حقوقی وزارت دادگستری و معاون قضایی دادستان کل کشور، جهت بررسی ارجاع دهد. کمیسیون کارشناسی پس از انجام بررسی نتیجه امر را به محکمه عالی انتظامی قضات جهت اتخاذ تصمیم گزارش می‌نماید.» تصویب این مقررات در کنار مقررات مربوط به تشکیل دادگاه انتظامی قضات که همچنان از اعتبار قانونی برخوردار می‌باشد، این شبهه را به وجود می‌آورد که با توجه به اخیرالتصویب بودن مقررات محکمه انتظامی قضات، مرجع صلاحیتدار برای احراز تقصیر قاضی همین مرجع باشد اما با توجه به حضور الزامی ریاست قوه قضائیه در تصمیم‌گیری‌های محکمه انتظامی قضات، به نظر می‌رسد

مرجع قانونی برای احراز تقصیر قاضی همچنان دادگاه عالی انتظامی قضات می‌باشد و محکمه انتظامی قضات در واقع تنها به منزله یک کمیسیون انضباطی عمل می‌نماید. (ماشمی، سید محمد، ۱۳۷۲، ص ۵۸۳) حال بینیم در مرجعی که تقصیر قاضی باید احراز گردد (دادگاه عالی انتظامی قضات) شاکی در به جریان انداختن دعوی علیه قاضی متخلف چه نقشی دارد؟ قبلاً ماده ۲ قانون متمم سازمان دادگستری مصوب ۱۳۳۵/۵/۱۷ مقرر می‌داشت: «دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است به درخواست دادستان انتظامی یا به تقاضای وزیر دادگستری یا شکایت مستقیم اصحاب دعوی به تخلفات کلیه مستخدمین قضایی در هر مقامی که باشند رسیدگی نموده و رای مقتضی صادر نماید» اما بعداً در اصلاح مقررات مذکور با حذف عبارت «شکایت مستقیم اصحاب دعوی» از متن قانون، زیان دیده از تخلف قاضی را از عداد کسانی که می‌توانستند مستقیماً موجبات رسیدگی دادگاه عالی را فراهم نمایند، خارج نمودند.^۱ حتی طبق اصلاحیه مذکور ممکن است در مواردی، علی‌رغم احراز ارتکاب تخلف از ناحیه قاضی، تعقیب انتظامی او به حالت تعلیق درآید. پاراگراف دوم ماده ۲۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری در این مورد مقرر نموده است: «دادستان انتظامی قضات می‌تواند با وجود احراز ارتکاب تخلف از ناحیه قاضی با توجه به مدت سابقه و میزان تجارب قضایی او همچنین با در نظر گرفتن حسن سابقه و درجه علاقه‌مندی قاضی به انجام وظایف محول و سایر اوضاع و احوال قضیه، تعقیب انتظامی او را معلق و مراتب را به او اعلام نماید...»

نتیجه

ملاحظه می‌شود در وضع کنونی مقررات ایران، حقوق قربانی از تصمیمات غیرقانونی قاضی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است به نحوی که علی‌رغم پیش‌بینی موضوع در قانون اساسی، در عمل از جبران ضرر و زیان وارده بر وی خبری نیست و

^۱ - با تصویب ماده ۲۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ رسیدگی مستقیم به شکایات اصحاب دعوی از مقررات مذکور حذف گردیده است.

آن در حالی است که امروزه در کشورهای پیشرفته با توجه به حساسیت موضوع، قانونگذاران آن را از شمول مقررات عمومی خارج و تابع ضوابط ویژه قرار داده اند تا بدین وسیله هم از قاضی و هم به نوعی از متضرر حمایت کرده باشند. حمایت از قاضی در این راستاست که او بتواند به دور از هرگونه نگرانی با استقلال کامل به انجام وظیفه سنگین خود عمل نماید و حمایت قانونگذار از متضرر هم بدین معناست که جبران خسارت ناشی از تعدی به حقوق وی از محل مطمئنی امکان پذیر باشد.

با توجه به مراتب مذکور پیشنهاد مشخص این است که ضرر و زیان وارده به شهروندان از این لحاظ، مستقیماً از طرف دولت و یا با حمایت مالی دولت از طرف شرکت‌های بیمه ای جبران گردد زیرا در شرایط حاضر امید اینکه زیان دیده بتواند با تقدیم دادخواست علیه قاضی متخلف، به جبران ضرر و زیان وارده نایل شود تقریباً غیرممکن می‌باشد و در واقع علت عدم مراجعه زیان‌دیدگان به مراجع قضایی نیز همین واقعیت است و نه اینکه فی‌المثل تخلفی وجود نداشته و یا زیانی از این طریق وارد نشده باشد. مضافاً این که جبران ضرر و زیان ناشی از تخلف قاضی توسط بیت‌المال با دستورات و تعالیم مذهبی ما هم سازگاری بیشتری دارد. روایت حر عاملی رحمت اله علیه از علی علیه‌السلام در این خصوص که فرمودند: (آنچه را قاضیان خطا کنند باید به وسیله بیت‌المال جبران گردد). پشتوانه فکری معنوی راه کار پیشنهادی است.

منابع و مأخذ

الف - منابع فارسی

- ۱- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول ۱۳۷۳.
- ۲- بوشهری، جعفر، مسائل حقوقی اساسی، نشر دادگستر ۱۳۷۶.
- ۳- حر عاملی، وسائل الشیعه، نشر اسلامی، تهران ۱۴۰۱ ه. ق. کتاب القضا و الشهادات.
- ۴- شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، نشر روزنامه رسمی ۱۳۷۳.
- ۵- عرفانی، محمود، حقوق تطبیقی و نظام‌های معاصر، چاپ موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد) ۱۳۷۳.

- ۶ - صفایی، حسین، محمد، آشوری، و عزت الله عراقی، نظامهای بزرگ حقوقی معاصر، رنه، داوید، ترجمه، چاپ مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- ۷ - هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم ۱۳۷۲ و ۱۳۸۳.
- ۸ - قانون اساسی فرانسه و ایتالیا، چاپ اداره کل قوانین و مقررات کشور ۱۳۷۶.
- ۹ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۰ - قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۵/۲/۷
- ۱۱ - قانون متمم سازمان دادگستری مصوب ۱۳۳۵/۵/۱۷
- ۱۲ - قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵
- ۱۳ - قانون تشکیل محکمه انتظامی قضات مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۳

ب - منابع لاتین

- 1- Behar – Touchais / Rapport Francais in Traveaux de l'association Henri Capitant librairie general de Droit et de Jurisprudence (L.G.D.J) Paris 1999.
- 2 - Black. Henri Camp belle, West publishing co.1983.
- 3 - Bredin, Justices 1996, n3.
- 4-Duhamel Olivier, Yves Meny. Dictionnaire constitutionnel. 1992 Presses Universitaires de France (P.U.F)
- 5- Evangile selon st matthieu, 7/1-12.
- 6 - Levasseur. Alain Rapport. Etats Unis in Traveaux de l'Association Henri Capitant. L.G.D.J), paris 1999.
- 7 - Monateri, , Pier Giuseppe, Rapport Italien. La responsabilite, in Traveaux de l'Association Henri Capitant, op.cit.
- 8 - Wiederkehr, Justices, 1997.

قلمی از قلمدان یک قاضی افتاد. متهم گفت جناب قاضی کلنگ فود

را بردارید! قاضی گفت مردی این قلم است نه کلنگ، تو هنوز کلنگ و

قلم را نمی شناسی؟ متهم گفت فرقی نمی‌کند، هر چه هست شما

خانه مرا با آن ویران کرده‌اید.